



مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران

مدرسه علمیه حضرت ولی عصر (عج)

شهرستان گرمی

موضوع مقاله:

بررسی مفهوم ایمان و نسبت آن با علم

پژوهشگر:

اثنائی صفائی آقبلاغ

دی ماه 94

چکیده

اولین قدمی که انسان در سیر تکاملی خود به سوی کمال نهایی؛ یعنی قرب خدای متعال بر می‌دارد، ایمان است. و این قدم ریشه‌ی قدم‌های بعدی و روح همه‌ی مراحل استکمال انسان می‌باشد. «ایمان» همان تصدیق و ارتباط قلبی به آن چیزی است که بدان علم وجود دارد و این امر، نه فطری، بلکه اکتسابی است؛ یعنی از راه دلیل و برهان به دست می‌آید و نباید ایمان را با علم برابر دانست. زیرا ایمان امری است که کمابیش در اختیار انسان است و از این جهت با مطلق علم تفاوت دارد. و لازمه ایمان قطعاً وجود نوعی علم است. اما این گونه نیست که هرکس خدا را شناخت و وجود خدا برایش ثابت شد، به خدا ایمان داشته. بلکه علاوه بر علم و دانستن، باید قلب و دل نیز آن را بپذیرد، یعنی باید حالت پذیرش و قبول نسبت به آن در نفسش وجود داشته باشد.

بر این اساس، می‌توان نسبت و رابطه میان ایمان و علم را به لحاظ مصداقی عموم و خصوص مطلق، یا به لحاظ مفهومی جزء به کل به حساب آورد، زیرا علم جزئی از ایمان و اولین گام در راه دین است که کمال آن، ایمان و تصدیق به پروردگار است.

کلید واژه: ایمان، علم، نسبت، رابطه، مؤمن، اقسام، متعلق، مراتب، جانشینی.

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
مقدمه.....	1.....
معنای لغوی و اصطلاحی ایمان.....	3.....
اقسام ایمان.....	5.....
مراتب ایمان.....	7.....
متعلق ایمان.....	10.....
ایمان باید مطلق باشد.....	12.....
نسبت بین علم و ایمان.....	13.....
عنصر اختیاری ایمان.....	16.....
جانشینی علم و ایمان.....	17.....
نتیجه.....	20.....
فهرست منابع و مآخذ.....	21.....

مقدمه

سیر الی الله و تقرب به خداوند توسط قلب انجام می‌پذیرد و بدن به عنوان یک موجود جسمانی، سیری معنوی به سوی الله را ندارد و سیر آن مکانی است. پس با توجه به این که سیر الی الله اصالتاً از قلب است، آنچه مستقیماً به قلب مربوط می‌شود، ایمان است.

ایمان از نظر لغوی به معنای گرویدن، عقیده داشتن، ایمن کردن و باور داشتن است و از نظر اصطلاحی به معنای عقیده داشتن به ضروریات دین (اصول و فروع آن) می‌باشد؛ یعنی، انسان به یگانگی خداوند، رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، امامت دوازده امام (علیه السلام) و عدالت خداوند و... قائل باشد. البته اشخاص در این اعتقادات مختلف هستند؛ برخی، ایمان زبانی دارند و گروهی ایمان عقلی دارند؛ یعنی، به این امور علم دارند و برخی نیز از این دو مرحله گذشته و به ایمان قلبی رسیده‌اند که ثمره ی آن، باور داشتن تمامی این مسائل است.

از قرآن کریم استفاده می‌شود که ایمان امری قلبی و با اراده و خواست انسان هم آهنگ است و اگرچه از علم و معرفت متمایز است، اما برای تحقق آن باید معرفت و علم کسب کرد و علم، شرط لازم برای ایمان است و ایمان بدون علم متزلزل و ناپایدار خواهد بود.

علاوه بر علم و دانستن، در تحقق ایمان لازم است که شرایط روحی و روانی برای پذیرش حق مساعد باشد و صفحه دل، آلوده به تکبر و لجاجت نگردد. و برای تحقق ایمان، باید در دو زمینه کوشید: نخست در زمینه تقویت علم و دانستن و دوم، در زمینه انگیزش میل فطری خویش به ایمان. ابتدا باید تصدیق قلبی در انسان فراهم آید و سپس پذیرش و تسلیمی که برخاسته از روح خضوع و سرسپردگی و تمایل آگاهانه به حق است.

بنابر این، ایمان ضمن ارزش زیر بنایی و ارزش یک جهان بینی متناسب برای ایدئولوژی اسلامی، صد در صد ارزش ذاتی و اصالت دارد و کمال انسان در این دنیا و آخرت به این است که ایمان داشته باشد. لذا

در مورد ایمان و نسبت آن با علم، تحقیقات و کتاب هایی نوشته شده، که به چند نمونه از آن ها اشاره می شود:

- 1- اخلاق در قرآن؛ از محمد تقی مصباح یزدی، 2- حدیث ایمان؛ از هاشم حسینی بوشهری، 3- به سوی او؛ از محمد تقی مصباح یزدی، 4- انسان و ایمان؛ از شاهپور فقیه .
- روش تحقیق در این مقاله به صورت کتابخانه ای بوده که پس از گردآوری منابع، به صورت منسجم، نگاشته شده است.

ایمان را در پرتو علم باید شناخت؛ ایمان در روشنائی علم از خرافات دور می ماند . با دور افتادن علم از ایمان، ایمان به جمود و تعصب کور و با شدت به دور خود چرخیدن و راه به جایی نبردن تبدیل می شود.^۱

علم بدون ایمان نیز تیغی است در کف زنگی مست ؛ چراغی است در نیمه شب در دست دزد برای گزیده تر بردن کالا. این است که انسان عالم بی ایمان امروز ، با انسان جاهل بی ایمان دیروز ، از نظر طبیعت و ماهیت رفتارها و کردارها کوچکترین تفاوتی ندارد . ممکن است گفته شود مگر نه این است که علم ، هم روشنائی است و هم توانایی ؟ روشنائی و توانایی بودن علم اختصاص به جهان بیرون ندارد. پس علم ، هم می تواند جهان را بسازد و هم انسان را ؛ پس هم کار خودش را انجام می دهد (جهان سازی) و هم کار ایمان را (انسان سازی) .

اما نکته ی اساسی این است که قدرت و توانایی علم ، از نوع قدرت و توانایی ابزار است ، یعنی بستگی دارد به اراده و فرمان انسان . انسان در هر ناحیه بخواهد کاری انجام دهد با ابزار علم بهتر می تواند انجام دهد . این است که می گویند، علم بهترین مددکار انسان است برای وصول به مقاصد و پیمودن راههایی که انسان برای طی کردن انتخاب کرده است .^۲

اما سخن در این است که انسان پیش از آن که ابزار را به کار اندازد مقصد را در نظر گرفته است . ابزار ها همواره در طریق مقصد ها استخدام می شوند مقصد ها از کجا پیدا شده است ؟ انسان به حکم اینکه از روی طبع حیوان است و به صورت اکتسابی انسان، یعنی استعداد های انسانی انسان تدریجاً در پرتو ایمان باید پرورش یابد ، به طبع خود به سوی مقاصد طبیعی حیوانی فردی مادی خودخواهانه ی خود حرکت می کند و ابزارها را در همین طریق مورد بهره برداری قرار می دهد؛ از این رو نیازمند نیرویی است که ابزار انسان و مقصد انسان نباشد ، بلکه انسان را مانند ابزاری در جهت خود سوق دهد؛ نیازمند به نیرویی است که انسان را از درون منفجر سازد و استعدادهای نهانی او را به فعلیت برساند ؛ نیازمند به قدرتی

^۱ . مرتضی ، مطهری ، انسان و ایمان، تهران، چاپ سوم، انتشارات صدرا، ۱۳۸۸، ص ۲۳-۲۲.

^۲ . همان، ۲۸.

است که بتوانند انقلابی در ضمیرش ایجاد کند ، به او جهت تازه بدهد . این کاری است که از علم و کشف و قوانین حاکم بر طبیعت و بر انسان، ساخته نیست .^۱

تاریخ گذشته و حال نشان داده که تفکیک علم و ایمان از یکدیگر چه نتایجی به بار می آورد آن جا که ایمان بوده و علم نبوده است مساعی بشر دوستانه ی افراد صرف اموری شده که نتیجه ی زیاد و احیاناً نتیجه ی خوب به بار نیاورده است و گاهی منشأ تعصبها و جمودها و احیاناً کشمکشهای زیانبار شده است .

آن جا که علم بوده و جای ایمان خالی مانده است - مانند برخی جوامع عصر حاضر - تمام قدرت علمی صرف خود خواهی ها و خودپرستی ها ، افزون طلبی ها ، برتری طلبی ها ، نیرنگها و نیرنگبازی ها شده است . دو سه قرن گذشته را می توان دوره ی پرستش علم و گریز از ایمان دانست.

دانشمندان بسیاری معتقد شدند که همه ی مشکلات بشر با سرانگشت علم گشوده خواهد شد، ولی تجربه خلاف آن را ثابت کرد. یعنی امروزه اندیشمندی یافت نمی شود که نیاز انسان را به نوعی ایمان ولو ایمان غیر مذهبی - که به هر حال امری ماورای علم است - انکار کند.^۲

^۱. همان، ص 29.

^۲. همان، ص 30.

نتیجه

ایمان، آن است که دل چیزی را که عقل و ذهن تصدیق کرده، بپذیرد و بخواهد به همه لوازم آن ملتزم شود و تصمیم اجمالی بر انجام لوازم عملی آن بگیرد. ایمان راستین و واقعی وقتی در انسان پدید می‌آید که ملتزم به لوازم عملی ایمان باشد. و نمی‌شود که انسان به خداوند و پیامبر او ایمان داشته باشد، اما به آنچه پیامبر از جانب خداوند آورده عمل نکند. پس ایمان منوط و مشروط به علم است.

بنابر این، علم و ایمان با هم رابطه و پیوندی ناگسستنی دارند که هر یک از این دو به تنهایی به هدف واقعی کمال مطلوبی که برای آنها در نظر گرفته شده نمی‌رسند بلکه با قرار گرفتن در کنار هم هست که به اوج کمال و رشد خود نایل می‌شوند و لذا دانستن نحوه ارتباط این دو و بی‌اثر شمردن ما سوی الله و سوق دادن انسان‌ها به ویژه نسل جوان که امروزه در خاکریز نخست تهاجم فرهنگی جای گرفته‌اند، به عرصه معنویت و ایمان، امری است با اهمیت و ضروری.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

1- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج 1، چاپ اول، تهران، نشر سخن، 1381.

2- امینی، ابراهیم، آشنایی با اسلام، چاپ اول، قم، مؤسسه بوستان کتاب، 1384.

3- حسینی بوشهری، هاشم، حدیث ایمان، قم، شهاب الدین، 1388.

4- حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف (دایره المعارف جامع اسلامی)، تهران، ج 2، چاپ

اول، مؤسسه فرهنگی آرایه، 1379.

5- دستغیب شیرازی، عبدالحسین، ایمان، ج 2، شیراز، کتابخانه جامعه عقیق، بی تا.

6- رسولی محلاتی، هاشم، غرر الحکم و دررالکلم آمدی (ره)، ج 1، چاپ دوازدهم، تهران، دفتر نشر

فرهنگ اسلامی، 1377.

7- طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج 18، چاپ

سوم، تهران، انتشارات اسلامی، 1362.

8- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ج 1، چاپ بیست و ششم، تهران، انتشارات امیر کبیر، 1382.

9- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، ج 2، چاپ الاولى، بیروت، موسسه التاريخ

العربی، 1380.

10- فقیه، شاهپور، بررسی رابطه ایمان و رفاه اقتصادی، چاپ اول، قم، طوبای محبت، 1384.

11- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج 1-2، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1386.

12- کلینی رازی (ره)، محمد بن یعقوب، ترجمه و شرح اصول کافی، ج 3، چاپ نهم، تهران، انتشارات

اسلامیه، 1378.

13- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مترجم: حمید رضا، شیخی، ج 1، چاپ هشتم، قم،

نشر دارالحديث، 1386.

14- مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، تفسیر نمونه، ج 7، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، 1354.

15- مغنیه، محمد جواد، تفسیر کاشف، ج 7، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب، 1380.

16- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج 69، چاپ سوم، تهران، کتابفروشی اسلامیه، 1375.

17- مصباح یزدی، محمد تقی، به سوی او، قم، مؤسسه آموزش و پرورش امام خمینی، 1380.

18-، آیین پرواز، چاپ دوازدهم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام

خمینی(ره)، 1388.

19-، اخلاق در قرآن، ج 1، چاپ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام

خمینی(ره)، 1391.

20- محدثی، جواد، بر کرانه شرح چهل حدیث امام خمینی(ره)، چاپ سوم، قم، مرکز نشر

هاجر، 1391.

21- مطهری، مرتضی، انسان و ایمان، چاپ سوم، تهران، انتشارات صدرا، 1388.